

نام مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

## فراخوان حزب توده ایران به سازمان های بین المللی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

به رئیس جنبش کشورهای غیرمتحد

۱۳ ژانویه ۱۹۸۷

آقای موکابه، رئیس نوبتی جنبش کشورهای غیرمتحد! بدین وسیله به اطلاع شما می رسانیم که به هنگام اعتصاب غذای اخیر زندانیان سیاسی بخاطر اعتراض به ادامه شکنجه و توهین و نیز سوء تغذیه و بهداشت، ارگانهای قضایی ایران دستور اعدام عده ای از شرکت-بقیه در ص ۲

شماره ۱۳۷ دوره هشتم  
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۲۲  
بها ۲۰ ریال

## تیرباران انقلابیون در بند

در پی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم و انعکاس آن در سطح جامعه و جهان، رژیم تبهکار جمهوری اسلامی دست به جنایت خونبار تازه ای آلود. چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون جنایت اخیر رژیم در زندانهای ایران آمده است، دژخیمان برای درهم شکستن اعتصاب قهرمانانه و روحیه پیکارجویانه بهترین فرزندان اسیر خلق، نه تنها صداها تن از آنها را به سلولهای انفرادی و اتاقهای شکنجه و "تعزیر" روانه کردند، بلکه دهها تن، از جمله شماری از اعضای دربند حزب توده ایران، فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران، چریکهای

## اعلامیه دولت شوروی درباره جنگ ایران و عراق

در اعلامیه ای که روز پنجشنبه گذشته توسط خبرگزاری "تاس" منتشر شد، دولت شوروی بار دیگر اعلام می کند که خواهان هرچه زودتر پایان گرفتن درگیری نظامی میان ایران و عراق و حل سیاسی مسائل مورد اختلاف است.

در اعلامیه آمده است که مستقل از حدت و بغرنجی مسائل و تضاد مواضع ایران و عراق، اگر به علل درگیری بطور عینی تکریسته شود، در واقع مواضع غیرقابل عبوری برای پایان دادن به جنگ و برقرار کردن صلح وجود ندارد. مهم اینست که طرفین از خود اراده و خرد سیاسی نشان دهند و در راستای دستیابی به یک توافق قابل قبول برای دو طرف بکوشند. چنین توافقی باید برپایه رعایت قواعد عمومی حق حاکمیت خلق ها و قبول مرزهای موجود میان دو کشور پیش از آغاز درگیریها بنا شود. پایان دادن هرچه سریعتر به جنگ، پاسخگویی منافع همه کشورهای این منطقه

بقیه در ص ۵

## شادباش به "کنگره ملی آفریقا"

دوستان عزیز،

بنسابت هفتاد و پنجمین سالگرد پایه گذاری "کنگره ملی آفریقا" دروهای برادرانه و شادباشهای صمیمانه ما را بپذیرید. سازمان شما با پیکار دلیرانه اش علیه تبعیض نژادی و در راه آزادی ملی و عدالت اجتماعی احترام و ستایش نیروهای ملی و مترقی را در سراسر جهان برانگیخته است. شما پیکار آزادی بخش ملی خلقهای ستمدیده سراسر قاره آفریقا را الهام بخشیده اید.

"کنگره ملی آفریقا" هفتاد و پنجمین سالگرد خود را هنگامی برگزار می کند، که مبارزه مردم آفریقای جنوبی در همه جبهه ها به اوج خود می رسد و رژیم "پرتوریا" برای جلوگیری از انتقال قدرت از اقلیت سفیدپوست به اکثریت سیاه پوست از دمنشانه ترین شیوه های سرکوب استفاده می کند.

بقیه در ص ۸

## "سرود آزادی" رژیم آپارتاید را به لرزه در آورده است

در ص ۸

## در حاشیه "اعترافات" سید مهدی هاشمی

درج ۱. "ولی فقیه" دارای اختیاری حد و مرز و ساختار حکومتی بگونه ای است که امر "ولی فقیه" فراتر از قانون اساسی و قوای سه گانه عمل می کند. در این چارچوب، بویژه در زمینه برخورد با نیروهای گوناگون سیاسی، خمینی از موقعیت ویژه خود نهایت سوء استفاده را کرده است. او همواره تلاش ورزیده و می ورزد که هر مانع "خطرناک" را از سر راه "اسلام" و در واقع از سر راه حاکمیت پیروان شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" - که اکثریت آنها مدافع غارت بی بندوبار بخش خصوصی، مخالف با آزادیهای دموکراتیک و موافق با نزدیک شدن به ارتجاع منطقه و امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا هستند - بردارند.

نیروهایی که از مدتی پس از پیروزی انقلاب، متناسب با وزن و موقعیت خاص خود و با در نظر گرفتن تناسب نیروها در شرایط معین سیاسی - اجتماعی، تک تک و به تناوب مورد تهاجم رژیم خمینی و نهادهای سرکوبگرش قرار گرفتند و هر کدام به نوعی و تا اندازه ای زخم خورده اند، طیف وسیعی را تشکیل می دهند: از احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی پشتیبان زحمتکشان و محرومان جامعه گرفته تا جریانهایی که اگرچه از نظر طرز تفکر چندان هم دور از خمینی نیستند، اما در زمینه های معینی با وی دارای تضاد و اختلاف نظر بوده اند و هستند و حاضر نیستند بطور کامل استقلال رای خود را از دست بدهند.

در شرایط کنونی که بحران سراپای جامعه را فرا گرفته، سیاست رژیم در زمینه ادامه جنگ با بن بست روبرو شده، مسئله "ایران گیت" کوسر سوابی رژیم بصدا در آورده و خشم و نارضایتی مردم دانشا روبه افزایش است، کار بجایی رسیده که برای بیرون کشیدن رژیم از بن-بقیه در ص ۲

جبهه ای علیه دشمنان ایشان یعنی آن نیروهایی که طرح زیردربایی را به رژیم آپارتاید می فروشند و آنان که مواد سمی شیمیایی را صرفا برای ارضای منافع خود به کشورهای جهان سوم ارسال می دارند، می کشاییم. نیروی ضد مردمی کنسرن ها و بانک های بزرگ در این کشور نیز جزء همین دشمنان هستند که باید به نفع خلق ایران با تمام توان جلوگیری از آنها ایستاد.

رفقای عزیز!

بنام حزب کمونیست آلمان و به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران دروهای ما را بپذیرید و با احترام تمام و همبستگی برادرانه نسبت به حزب توده ایران باید بگویم

بقیه در ص ۶

بیموزیم، تبلیغ کنیم، سازمان دهیم!

در ص ۴

## رازداری حزبی

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## در حاشیهٔ اعترافات ...

بست، حتی نزدیکترین یاران خمینی - از جمله آیت اله منتظری جانشین او - مورد غضب واقع می‌شوند و چهره‌هایی امثال سید مهدی هاشمی "طبق دستور شخص امام" دستگیر می‌شوند و تحت شکنجه و در آستانهٔ اعدام قرار می‌گیرند. در واقع، برخلاف ضرب المثل معروف فارسی، چاقو در مواقع ضرور دست خود را هم می‌برد.

سیاست رژیم ارتجاعی ج.ا. برای محکم کردن پایه‌های قدرت خود بر این پایه استوار است که از سویی با پیگردها و دستگیریهایی وسیع جریان مورد نظر خود را از سر راه بردارد و دیگرانی را که ممکن است جرات کرده و سر بلند کنند، بر سر جایشان بنشانند، و از سوی دیگر برای توجیه عمل ضددمکراتیک و غیرانسانی خود، سخنگویان همان جریان را وادار سازند که در ملاء عام به تحقیر خود و هدفهای خود بپردازند و با پذیرفتن انواع اتهامهای ساختگی و "رسوا" ساختن خود و طلب پوزش از "حضرت امام" آب تظہیر بر سر حاکمیت ارتجاعی بریزند.

در این چارچوب، کارگزاران "اطلاعاتی" و "امنیتی" رژیم و در حقیقت جنایتکارانی که زیر پوشش "شرع" و "اسلام" به "وظایف" خود عمل می‌کنند با استفاده از تجربه‌های "ساواک" و "اطلاعاتی" که سازمانهای جهانی امپریالیستی در اختیارشان می‌گذارند، دست بکار می‌شوند. آنها می‌کوشند که بر اساس فرمول تقریباً واحدی، با بکارگیری انواع شکنجه‌ها و ترفندها، اشخاص مورد نظر خود را به گناهای که حول "محور"های معینی می‌چرخند، وادار به "اعتراف" سازند. اغلب کسانی که در صحنهٔ تلویزیون ظاهر می‌شوند - تقریباً بلا استثناء - به "لغزشها"، "اشتباهات" و "انحرافات" اقرار می‌کنند که گویا در شرایط آزادی هرگز مجال "مطالعه و تفکر" دربارهٔ آنها را نداشته‌اند و تنها زیر شکنجه و تعزیر بوده که بخود آمده‌اند و به فکر رفع "لغزشها" و "انحرافات" افتاده‌اند.

در این زمینه از جمله می‌توان به مصاحبهٔ تلویزیونی "داوطلبانه" (۱) سید مهدی هاشمی اشاره کرد که گویا "به پیشنهاد و رضایت" خود وی انجام گرفته است. وی می‌گوید: "در مدتی که در بارداشت بسر می‌بردم در اثر برخوردهای سازنده و آموزنده و اسلامی برادران بازجو و همچنین مطالعه و بازنگری خودم به اعمال و معیار اندیشه‌ها و افکار گذشته‌ام، به مجموعه‌ای از اشتباهات، انحرافات و لغزشهایی که در من بوده، پی بردم". و یا این که: "در این لحظات خوب زندان و لحظات تنبیه خیز بازداشت، خداوند یک فرصت طلائی و ارزنده‌ای نصیب ما کرده است و من از این بابت خوشحالم" ("اطلاعات" ۱۹ آذر ۶۵).

راستی را چه شده است و این "برادران بازجو" چه کرده‌اند و چه نوع برخوردهای "اسلامی" و "سازنده" و "آموزنده" ای داشته‌اند که سید مهدی هاشمی و یارانش که تا

چندماه پیش به شکل کم و بیش سازمان یافته‌ای با رژیم درافتاده بودند، و "طیفی از نیروها" در زمینه‌های مشخص "فکر" آنها را پذیرفته بودند، حال "با صراحت" به "خطاها"یشان "اعتراف" می‌کنند و درصدد "اصلاح نفس" خود برمی‌آیند و حتی از ترور چهرهٔ شناخته شده‌ای چون شمس آبادی اظهار ندامت می‌کنند؟

با نگاهی به مصاحبهٔ ری شهری "وزیر اطلاعات" ج.ا. موضوع قدری روشن می‌شود. وی می‌گوید: "خودم صحبتی با مهدی هاشمی کردم. با اینکه صحبت بسیار ساده بود ولی خداوند کمک کرد و تأثیری روی او بجا گذاشت که به بسیاری از مسائل اعتراف کرد" ("کیهان" ۲۳ آذر ۶۵). مردم ایران که شاهد "اعترافها"ی زیادی از تلویزیون بوده‌اند و شرح آنها را در روزنامه‌ها خوانده‌اند، به تجربه دریافته‌اند که اینگونه "صحبت"ها چندان هم "ساده" نبوده، بلکه با زبان تهدید و تازیانه و شکنجه و تعزیر انجام شده است، وگرنه "خداوند" مورد نظری شهری می‌توانست در بیرون از زندان و در شرایطی که این گروه هنوز به "انحراف" کشیده نشده بود و دست به "جنایت" نزده بود، به سید مهدی هاشمی و یارانش بیشتر کمک کند.

در گفتاری شهری نکته‌های قابل توجه دیگری هم وجود دارد که می‌توان بطور گذرا به آنها اشاره داشت. وی می‌گوید: "حضرت امام از انحراف فکری و انحرافات عمل این گروه برای آیندهٔ انقلاب (۱) احساس خطر می‌کردند". براساس این گفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً خمینی به یاری ارگانهای "اطلاعاتی" و "امنیتی" خود، حتی حرکات و رفتار نزدیکترین یارانش را زیر ذره بین قرار می‌دهد و برای هر کدامشان "از سالها پیش" پرونده‌ای بازمی‌کند تا "در روز مبادا" بتواند زمینهٔ از میان برداشتن آنها را آماده سازد. بعنوان نمونه سید مهدی هاشمی و یارانش زمانی بازداشت شدند و تحت پیگرد قرار گرفتند که قضیهٔ سفر مک فارلین به ایران، از جمله توسط آنان، افشاء شد، وگرنه قبل از آن که امثال "آیت اله خادمی"ها ترور شوند، این گروه می‌بایست تحت پیگرد قرار می‌گرفت.

ری شهری اعلام می‌کند: "فیلم کامل صحبتهای هاشمی را شخصاً به "حضرت امام" دادم... "این مقداری که از تلویزیون پخش شد با تایید حضرت امام بود و آن مقداری که پخش نشد مصلحت نبوده است". در اینجا می‌بینیم که بازم این "حضرت امام" است که مصلحت را تشخیص می‌دهد، و نه ارگانهای قانونی. در هر صورت جای این سؤال باز است که راستی چرا "حضرت امام" مصلحت ندانسته‌اند که همهٔ متن مصاحبه پخش شود و تنها به بخشی که علیه آیت اله منتظری بوده اکتفا کرده‌اند؟ آیا نه اینست که "مقدار" پخش نشده - که گویا بازجویان هنگام ضبط به آن توجه نداشته‌اند - به ضرر رژیم بوده و می‌توانسته است بسیاری مسائل را روی دایره بریزد؟ بویژه آن که سید مهدی هاشمی خود در

مصاحبه‌اش وادار می‌شود بگوید که گویا در جریان فعالیت‌های خود "با این کارمان بین مسئولین تفرقه ایجاد می‌کردیم... مردم را به مسئولین و انقلاب بدبین می‌کردیم و نمی‌فهمیدیم که پخش یک سلسله مسائلی که درخور صلاحیت مردم نیست، تحت عنوان انتقاد و افشاگری، این توده‌های امت حزب الله را که باید خوشبین باشند به انقلاب و نظام اسلام، اینها را به مسئولین بدبین می‌کردیم". آیا "مصلحت" خمینی، در چارچوب این گفتار، برای حفظ "خوش بینی" بدون پشتوانه نسبت به ج.ا. قابل بررسی نیست؟

یکی دیگر از نکته‌های قابل اشاره در سخنان ری شهری این است که گویا اعلامیه‌ها و شبنامه‌هایی که با امضاهای مختلف مانند "روحانیت بیدار"، "حزب الله شاهد" و دهها اعلامیهٔ دیگر که حتی بعد از دستگیری سید مهدی هاشمی "با عناوینی مانند جمعی از فضلا و طلاب، جمعی از دانشجویان سپاه قم، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران" در جهت افشای رژیم چاپ و توزیع شده تنها مربوط به گروه هاشمی بوده و با حذف این گروه ریشه‌های رشد چنین جریان‌هایی در درون و بیرون حاکمیت ج.ا. ناپود خواهد شد.

امروز سیل اعتراضات مکتوب و غیرمکتوب علیه رژیم، نه تنها از جانب نیروهای مترقی و انقلابی، بلکه حتی از جانب گروه‌های مختلفی از نزدیکان حاکمیت پیوسته و سخت‌بیشتری می‌گذرد. باید با افشای هرچه بیشتر ماهیت و سیاست ضد مردمی رژیم "ولایت فقیه" تا آنجا که امکان پذیر است روند جدا شدن هرچه بیشتر نیروهای پایبند به آماجهای انقلاب بهمین ۵۷ از رژیم و پیوستن آنها به جبههٔ متحد خلق را تسریع کرد.

## به برنامه‌های

## رادپوی زحمتکشان ایران

## گوش فرادهید!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان ا رادپوی زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی بند و آزاد توده‌های رنجبر میهن ماست. به برنامه‌های رادپوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید. رادپوی زحمتکشان ایران هر روز در ساعت ۱۹ به مدت نهم ساعت روی امواج کوتاه، ردیفهای ۲۸ متر و ۴۹ متر برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۱۹ و ۲۰ دقیقه همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود.

برای رادپوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید.

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## اعتراض شخصیت اسرائیلی به شکنجه زندانیان سیاسی

گروهی از متخصصان پزشکی زیر نظارت سازمان ملل و وکلای بیطرف بین المللی اجازه دهند، تا با زندانیان سیاسی ملاقات کنند.

در نامه شخصیت اسرائیلی به دبیرکل سازمان ملل متحد آمده است.

"اخباری، که از رفتار وحشیانه و سرکوبگرانه مقامات جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی می رسد، مرا بس نگران ساخته است... از شما، بعنوان دبیرکل محترم سازمان ملل متحد، خواهشمندم تا همه توان خود را برای نجات جان مردان و زنان بهشمارای، که اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی با شدیدترین و ددمنشانه ترین شکنجه ها روبرو هستند، بکار برید."

رفیق توفیق زیاد، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، عضو پارلمان اسرائیل و شهردار "ناصره" بهنگام شرکت خود در اجلاس سازمان ملل متحد در دو نامه به مقامهای جمهوری اسلامی و دبیرکل سازمان ملل به سرکوب وحشیانه زندانیان سیاسی در ایران اعتراض کرد.

توفیق زیاد در نامه خود به رژیم جمهوری اسلامی "دستگیری و حبس افراد را بخاطر وابستگی های سازمانی و اعتقادات سیاسی بشدت محکوم" می کند و خواهان "خاتمه محاکمات سری و اعدامها" می شود.

وی از مقامات جمهوری اسلامی می خواهد تا به

### فراخوان حزب توده \* \* \*

کنندگان در اعتصاب را صادر و آن راه موفج اجرا گذارند.

این جنایت هولناک زمانی صورت گرفت که بشریت مترقی بیستیمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد را برگزار کردند.

این عمل جنایتکارانه رژیم نگرانی هزاران خانواده زندانیان سیاسی نسبت به سرنوشت فرزندان و همسران خود را برانگیخته است. جان مبارزان راه خلق در معرض خطر جدی است.

کمیته مرکزی حزب توده از ان یاد در نظر گرفتن اینکه جمهوری اسلامی ایران پس از اعضای جنبش کشورهای غیر متعهد است، از شما بخواهیم که تا اقدامهای مقتضی برای جلوگیری از ادامه فاجعه خونین و آزادی زندانیان سیاسی به عمل آورید.

با احترام  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

### به دبیرکل سازمان ملل متحد

۲ ژانویه ۱۹۸۷

آقای پرز دوکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد!

رژیم جمهوری اسلامی دست به جنایت جدیدی زده است. به هنگام اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در اعتراض به شرایط غیر قابل تحمل در زندانهای ایران و ادامه شکنجه و اهانت، ارگانهای قضائی ایران با لگدمال کردن ابتدائی ترین موازین قضائی و حقوقی و نیز مواد اعلامیه حقوق بشر مورد پذیرش دولت ایران، عده ای از زندانیان سیاسی، از بین اعضا حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) و دیگر سازمانهای مترقی و دمکراتیک را تیرباران کردند.

زندانهای ایران انباشته از میهن پرستانی

## درد بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

## سیل خانمان برانداز وبی تفاوتی دولت

فاجعه ای دیگر بر فجایع روزمره مردم رنج دیده میهن ما افزوده شد. در اثر جاری شدن سیل در استانهای یزد، فارس، کرمان، خوزستان، خراسان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد، ۴۲۴ نفر از مردم میهنمان کشته شده اند و دهها هزار نفر بیخانمان و آواره گردیده اند. همچنین ۱۲۳۴ روستا و دهها شهر ویران شده، ۱۰۸۹۲ واحد مسکونی شهری و روستایی تخریب گردیده است. از خسارات دیگر سیل ویرانی ۱۷۴۹ کیلومتر راه اصلی و فرعی، ۱۱۶ دهانه پل، ۹۵۵ رشته قنات، ۱۵۹ آبگیر و سیل برگردان، ۱۰۴۰ حلقه چاه، ۲۵ دهنه چشمه، ۱۵۰ درمانگاه و خانه بهداشت و از میان رفتن ۱۷۰۲ دستگاه موتور پمپ کشاورزی بوده است. بشارتی سرپرست ستاد نخست وزیری در امور مربوط به مناطق سیل زده، خسارتهای مالی ناشی از سیل را برآورد با ۱۲۰ میلیارد ریال اعلام کرد.

در حالی که سران جمهوری اسلامی میلیاردها تومان حاصل زحمت مردم را در راه کشتار خود آنان در جنگ به آتش می کشند، برای جبران خسارتهای سیل و کمک به مردم سیل زده طبق شیوه معمول خود دست گدایی بسوی مردم دراز می کنند، برای کمک به سیل زدگان حساب بانکی باز می کنند و از آنان می خواهند تا "صبر و مقاومت" داشته باشند. کوبی وظایف این رژیم به ادامه کشتار مردم در جبهه ها، اعمال سیاست سرکوب و اختناق، افزودن بر دامنه بحران اقتصادی و بیکاری و فشردن گلوئی مردم از همراه ممکن، محدود می شود. همیشه وقتی ارائه خدمتی به مردم لازم می شود، این "حضرات" پای خود را کنار می کشند و "کار را به خود مردم واگذار می کنند".

ما این فاجعه را به هم میهنان سیل زده تسلیت می گوئیم و از همه اعضا و هواداران حزب می خواهیم که در حد توان خود به یاری سیل زدگان بشتابند.

## این است باورم

دست مرا بگیر  
فکر مرا بخوان  
من با تو همدم  
در رزم بی امان

از من جدا مباش  
با هم خطر کنیم  
تنها نمی شود  
کاین غصه سر کنیم

من با تو هموطن  
همواره یاورم  
با هم یکی شدن  
این است باورم

بیاموزیم، تبلیغ کنیم، سازمان دهیم!

## رازداری حزبی

یکی از صفاتی که هر عضو حزب طبقه کارگر باید از آن برخوردار باشد و با شجاعت و خویشتن داری در تقویت آن بکوشد، رازداری یا سرپوشی حزبی است. نخست بیجاست ببینیم که راز حزبی به چه معناست و چرا در اسناد کنفرانس ملی از جمله بدرستی تصریح می گردد که اصل " حفظ اسرار حزبی ... خصلت اساسی کار تشکیلاتی حزب را تشکیل می دهد".

راز حزبی، آن مجموعه اطلاعات و دانسته هایی است که اگر فاش شوند دشمن می تواند با بهره برداری از آنها به حزب، هسته حزبی یا اعضای حزب گزند برساند.

حزب طبقه کارگر، ستاد طبقه کارگر است. طبقه کارگر در یک پیکار بزرگ با دشمن طبقاتی درگیر است. رژیم مدافع مالکان با در اختیار سرمایه داران و بزرگ مالکان با در اختیار داشتن قدرت اقتصادی و نهادهای سرکوبگرانه که از تجربه ها و امکان های بسیاری برخوردارند، به رویارویی با نیروهای انقلابی برمی خیزد. از اینرو هر عضو حزب طبقه کارگر، باید برای هر راز حزبی همانند عضو موثری از یک ستاد جنگی ارزش قائل شود و هیچ رازی، هرچند به ظاهر کوچک را بدون اهمیت نیانگارد. بدون رعایت اصل رازداری در زندگی حزبی نمی توان شرایط وارد آوردن ضربه کاری و درهم شکننده بر دشمن را فراهم ساخت.

در هر شرایطی، خواه نیمه علنی یا مخفی، باید از راه های حزبی امانت دارانه پاسداری کرد. طبیعی است که همروند با تغییر مرحله مبارزه و تناسب نیروهای طبقاتی در سطح جامعه و جهان حزب طبقه کارگر نیز اشکال نوینی از مبارزه را در پیش می گیرد. ولی باید توجه داشت تغییر در شکل مبارزه بمعنای در بین نبودن راز حزبی و منتفی بودن وظیفه رازداری حزبی نیست. زیرا تا زمانی که جنگ طبقاتی وجود دارد و حزب طبقه کارگر خود قدرت سیاسی را بدست ننگرفته است، راز حزبی وجود خواهد داشت و ضرورت حفظ اسرار حزب همچنان بقوت خود باقی خواهد ماند.

این حکم حتی در مورد مراحل پس از دستیابی طبقه کارگر به قدرت نیز صدق می کند. حزبی که به قدرت سیاسی دست می یابد نیز، نه تنها از حفظ راه های خود بی نیاز نیست، بلکه ای بسا رازداری برای او اهمیت دوچندان و یا صد چندان پیدا می کند. از این بالاتر؛ از آنجائیکه وجود حزب و دولت پشتیبان طبقه کارگر تنها به عملکرد ارتجاع و ضد انقلاب داخلی بستگی

ندارد، بلکه همچنین با وجود و عملکرد امپریالیسم نیز ارتباط می یابد، رازداری حزبی تا برافراشته نشدن پرچم کمونیسم در سراسر گیتی ضرورت خود را حفظ می کند. تا زمانی که وجود حزب طبقه کارگر بعنوان گردان پیشتاز و رهبری کننده طبقه کارگر و جامعه ضرورت دارد، رازداری حزبی نیز ضرورت خود را از دست نمی دهد.

آگاهی از هر راز حزبی در درون حزب تنها تا آن حد مجاز است که ضرورت کار حزبی ایجاب می کند. بیان حتی یک راز حزبی بیرون از این دایره جز بمعنای زیرپاگذارن انضباط حزبی و از این رهگذر زبان رساندن به امر حزب و جنبش نبوده و نیست.

در کار حزبی، همواره باید بین " خودمانی گری " و شیوه درست کار سازمانی فرق گذارد. " خودمانی گری " به این معناست که رفیقی خود را مجاز بداند راز حزبی را برای هر کس که طرف اعتماد اوست، البته با قید " بین خودمان بماند " بازگو کند و در این پیوند تجربه و شناخت شخصی خود را یگانه ملاک تشخیص صلاحیت دیگران قرار می دهد. این یک شیوه برخورد نادرست و غیر حزبی است. ولی برخورد اصولی سازمانی بگونه دیگری حکم می کند. عضو حزب طبقه کارگر باید بداند:

- اعتماد می بایستی پایه حزبی داشته باشد. هر عضو حزب برای آن که بتواند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد باید در چارچوب مسئولیتی که به او سپرده می شود از اسرار حزبی باخبر گردد، نه بیشتر. تعیین کننده حدود مسئولیت ها نیز مسئولان و مراجع صلاحیت دار حزبی هستند. در حزب، کسی حق ندارد، با اصول شکنی، سلسله مراتب دیگری برای خود درست کند و بسته به میل و اراده و تشخیص خود جمعی را معتمد و محرم راز خاص خود برگزیند و جمع دیگری را شایسته بی اعتمادی بداند.

- آگاهی از راه های حزبی را نباید تنها با میزبان اعتمادی که نسبت به افراد هست، ارتباط داد، بلکه باید ضرورت و مصلحت کار را در نظر گرفت. بازگو نکردن اسرار حزبی در نزدیک رفیق، دلیل عدم اعتماد به او نیست. در میان گذاردن یک راز حزبی - بدون درک ضرورت آن - حتی با رفیقی که دارای مسئولیت سنگین حزبی است، لزومی ندارد. جداً باید از رازگشایی های بی مورد پرهیز کرد. همواره باید این حقیقت ساده را در پیش چشم داشت که در میان گذاردن یک راز حزبی با یک رفیق، افزون بر آنکه دامنه

افشای راز را، اگر چه به اندازه یک نفر، فراختر می سازد، و احتمال افشای آن راز را به اندازه یک نفر بیشتر می کند، در همان حال بار گرانی بر کرده آن رفیق راز نبوش می گذارد. زیرا پاسداری از هر راز حزبی یک وظیفه است؛ یک وظیفه بزرگ و مقدس. بی دلیل نیست " رازداران خلق " را " تا ابد پاینده " خوانده اند.

هیچگاه نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که همه انسان هایی که همدوش ما در راه آرمان های والای زحمتکشان پیکار می کنند، دارای آنچنان نیرویی نیستند که بتوانند با خویشتن داری در همه حال و همه جا و در هر وضعیت روحی و جسمی، آنچه را که در دل دارند بر زبان جاری نسازند. از سوی دیگر حزب طبقه کارگر با نیروی دوزخی امپریالیسم و ارتجاع در پیکار است و در گذرگاه پیکارگران راه رهایی زحمتکشان هر لحظه خطر گرفتارشدن در دست دشمن و افتادن به زیر داغ و درفش دژخیمان وجود دارد. آنوقت نگهداری از هر رازی که در سینه هر عضو حزب است، بر سنگینی وظیفه او در برابر دشمن می افزاید. از اینرو، این بار سنگین را تنها آنگاه میتوان بر شانه رفیقی گذارد که ضرورت علنی پیشبرد کار حزبی ایجاب می کند. اگر هوس های شخصی انگیزه رازگشایی باشد، نه در حکم دوستی، بلکه به مثابه دشمنی با آن دشمن است.

گاه وقتی به رفیقی تذکر داده می شود که چرا راز حزبی را بازگو می کنی، با نگاهی پرمعنا و با کلامی گزنده پاسخ می دهد: " وقتی رژیم ضربه تا این اندازه سنگین بر پیکر ما وارد ساخته است چطور می تواند از این مسئله بی اطلاع باشد. " یا در موارد بسیاری دیده شده که رفقای به دور از هرگونه احساس مسئولیت، مناسبات حزبی پیش از یورش به حزب را خاطره وار با آب و تاب تمام نقل می کنند و حتی از بیان جزئیات آن نیز ابائی ندارند. چنین رفقای گویی نه در حال افشای یک راز حزبی، بلکه در حال تعریف یک فیلم یا رمان هیجان انگیز هستند. اینگونه برخورد به راز حزبی کاملاً غیر اصولی و غیر مسئولانه و بیگانه با اخلاق و روش و منش حزبی است. در بهترین حالت، اگر اینگونه رازگویی ها زبانی هم در پی نداشته باشد، دستکم بی فایده بودن آنها مسلم است. برای درک اهمیت این عمل زیانبار کافی است به پیکردها، احضارها و دستگیری های بی دربی دشمن نظر داشت. هرگز نباید فراموش کرد که بسیاری از راه های فعالیت " دیروز " ما با فعالیت امروز ما پیوند دارند. دشمن می خواهد با دستیابی به هر راز حزبی " دیروز " در راه نقشه ریزی ما برای ادامه و گسترش فعالیت امروز سنگ اندازی میکند، دام بگستراند و ضربه های تازه ای را بر پیکر

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

حزب وارد سازد.

کمتر بیکارگر و مبارز بنهانکاری را می توان یافت که دست رد بر سینه اصول رازداری بگذارد و رعایت آنرا بی مسماء بداند. با اینحال، نمی توان گفت که همه بیکارگران این اصول را بدون خدشه در زندگی انقلابی خود رعایت می کنند. گاهی دیده می شود که مثلاً رفیقی اسرار حزبی را از دیگران پنهان می دارد، ولی خود کنجکاوست و وقتی رفقایش نسبت به او راه و رسم رازداری را پیشه می کنند و به کنجکاوی بیهوده او پاسخ مثبت نمی دهند، واکنش ناپسند از خود نشان می دهد و زبان به گلابه باز می کند و مدعی می شود که نسبت به او بی اعتمادی شده است و غیره.... باید توجه داشت که گناه جویندگان راز هر اندازه سنگین باشد، گناه گویندگان و گشایندگان راز صد چندان است.

رازداری با خویشتر داری پیوند جدایی ناپذیر دارد. رفقایی هستند که به اصل رازداری اعتقاد دارند، ولی خویشتر دار نیستند و بیکباره متوجه می شوند اسراری که به آنها سپرده شده بود، همچون مرغ از قفس سینه اشان پرواز کرده و به نقل مجلس همفکران تبدیل شده است.

کم نیستند مبارزانی که از نظر خویشتر داری ضعیف نیستند و بر خود تسلط دارند ولی بقول معروف "دلشان نمی آید" که کسی را از خود برنجانند و ناراضی کنند. چنین رفقایی نیکوخواهانه می کوشند که "دمکرات" باشند و دیگران را با خود در یک صف بنشانند. مثلاً وقتی پای رازی بمیان می آید و مخاطب خود را سراپا گوش و چشم می بینند، از فاش ساختن آن پروایی به خود راه نمی دهند.

هستند مبارزانی که هرگونه اظهار بی اطلاعی را کسر شان خود می دانند و هرگز نمی خواهند از برج عاج "کعب الاخبار" بودن فرود بیایند. چنین افرادی اگر هم یک راز حزبی را به روشنی بر زبان نیاورند، در هنگام مطرح شدن موضوع آنقدر ایما و اشاره می کنند، سرتکان می دهند و لبخندهای پرمعنا بر لب می آورند که حاضران به آنچه نباید پی ببرند و بدانند، پی می برند.

در شرایط کنونی وظیفه هر رفیق حزبی است که از یک سو خود مسئولانه عمل کند و از رازهای حزب همانند امانت مقدسی نگهبانی کند، کنجکاوی نکند و تلاش ورزد تا آنچه را که مربوط به او نیست ببیند و نشنود، از سوی دیگر به کسانی که به اسرار حزبی ارج و بهای لازم را نمی دهند یا از افشای آنها در هر محفلی ابا ندارند، اعتراض کند و آنها را از پیامدهای زبانزدند چنین اعمال غیر مسئولانه ای آگاه سازند. زیرا رازداری ویژه در شرایط کنونی مبارزه حزب ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بدون هوشیاری که رازداری یکی از نشانه های آنست نمی توان با دشمن به روبارویی برخاست. رازداری در حکم دژ و چتر امنیتی حزب است. باید از دژ مراقبت کرد و در زیر این چتر امر حزب و جنبش را به پیش برد و ضربات شکننده ای بر بیکر دشمن وارد ساخت.

## اعلامیه دولت شوروی . . .

و همچنین یک گام مهم در جهت سالم سازی وضع عمومی بین المللی خواهد بود.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که ادامه جنگ ایران و عراق از سوی نیروهای امپریالیستی برای تحکیم حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و ایجاد شرایط لازم برای دخالت در امور داخلی کشورهای اطراف آن مورد استفاده قرار می گیرد.

دولت شوروی در اعلامیه خود سپس می افزاید: قدرتهایی که هزاران کیلومتر با منطقه فاصله دارند زیر پوشش حفظ "منافع حیاتی" خود، کشتی های جنگی به آنجا می فرستند، بیگان های ویژه نظامی تشکیل می دهند، مانور نیروهای "اقدام سریع" براه می اندازند، کشورهای خلیج فارس را زیر فشار می گذارند و امنیت آنها را

## تیر باران انقلابیون . . .

فدائی خلق ایران (اقلیت) و دیگر مبارزان راه جوخه اعدام سپردند.

خون پاک این بهترین فرزندان خلق یعنی بیکارگران راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در شرایطی بر زمین می ریزد که کوس رسوایی سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی در زمینه برقراری ارتباطها محافل حاکمه آمریکا و اسرائیل و خرید ساز و برگ نظامی برای ادامه جنگ امپریالیسم برفروخته ایران و عراق در سطح جامعه و جهان طنین انداز است و رژیم برای خاموش کردن آتش خشم و ناراضی مردم در برابر خیانتش به مصالح و منافع ملی کشور از هر حربه ای استفاده می کند. بدون تردید ریختن خون دشمنان آشتی ناپذیر امپریالیسم و ارتجاع و عاشقان صادق محرومان و زحمتکشان میهنمان به خاطر خشنودی دشمنان خلق و هموار کردن راه قدرت گیری و غارت

تهدید می کنند.

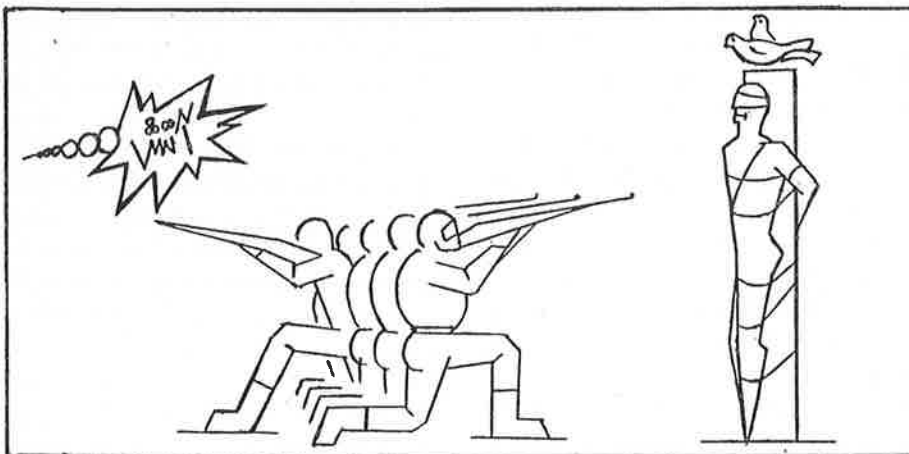
در پایان اعلامیه گفته می شود: اتحاد شوروی مانند گذشته خواهان خاموش شدن آتش این کانون خطرناک رویارویی نظامی و جلوگیری از گسترش آنست. این، بخشی از مشی اصولی سیاست اتحاد شوروی مبنی بر تنش زدایی و گذار از درگیری نظامی به گفتگوی سیاسی، همراه با احترام به حقوق قانونی همه طرفهای درگیر، بدور از هرگونه دخالت خارجی و ایجاد پایه های امنیت در آسیا بمقابله اجزاء یک نظام فراگیر امنیتی است.

دولت اتحاد شوروی آماده است هرگونه کمک لازمی را بکند تا درگیری نظامی میان ایران و عراق گام در راه حل سیاسی مسالمت آمیز بگذارد.

راه انداختن ضیافت های خون می ژندند.

اقدام جنایتکارانه اخیر دژخیمان جمهوری اسلامی، بی شک موجی از خشم و اعتراض مردم ایران و نیروهای مترقی و بشردوست در سراسر جهان را بر خواهد انگیخت. وظیفه احزاب و سازمانهای انقلابی و نیروها و شخصیت های مترقی است که دامنه این خشم و اعتراض را هر چه بیشتر گسترش دهند. باید برای قطع دستان خورترین جلادان جمهوری اسلامی، برای پایان بخشیدن به بساط شکنجه و خون و جنایت که در بستر اختناق حاکم بر کشور صورت می گیرد، متحدان وارد صحنه گردید.

نباید اجازه داد که دستگیری ها و بازداشت های غیر قانونی فردی و جمعی ادامه یابد. نباید اجازه داد که دست و پای همزمان و همسنگران در بند ما همچنان در غل و زنجیر بماند و نباید اجازه داد که دژخیمان با به راه انداختن محاکمات چند دقیقه ای و یا حتی بدون محاکمه، همچنان اسیران خویش را راهی میدانهای تیرباران کنند.



در شرایط کنونی، از همه نیروهای انقلابی، از جمله بویژه توده ایها، خواه در داخل کشور یا در خارج از کشور می طلبیم که در برابر افکار عمومی برده از جنایت نویین رژیم بردارند و با سازماندهی اقدامات افشاگرانه و اعتراضی گوناگون، بسته به مقتضیات و امکانات، از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

درد برزندانیان سیاسی ایران!  
تاهاک باد خاطره شهدای جنبش انقلابی ایران!

هر چه بیشتر آنها انجام می گیرد. دیروز، پس از کودتای ارتجاعی - امپریالیستی ۲۸ مرداد، شاه جلااد خون سیامک ها، میشری ها، کیوان ها، روزبه ها و دهها تن از دیگر مبارزان انقلابی را و شیقه سلطه همه جانبه اربابان امپریالیست خود قرار داد و امروز، سردمداران مرتجع و جنایتکار جمهوری اسلامی با خیانتت به آماجهای انقلاب بهمین، برای تحکیم مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و اربابان امپریالیست و زالوهای اجتماعی دست به این خوش رقصی های سنگین و به

## سخنرانی پرشور رفیق \*\*\*

که وجوه بسیاری شما رفقای ما را که مبارزه ای مملو از قربانی را پشت سر نهاده اید با ما کمونیست های آلمانی به یکدیگر پیوند می دهد.

ژوئن ۱۹۶۷ بود که بنواونه زورگ، دمکرات و ضدفاشیست، طی یک تقاضای ضد شاه در برلین غربی جان خود را از دست داد و قربانی همکاری آلمان فدرال و رژیم فاشیستی شاه شد. مرگ وی به سبب همبستگی با دمکرات ها و کمونیست های تحت پیگرد ایران بدل گردید و یک نسل تمام از مبارزان سیاسی کشورمان با این همبستگی رشد یافتند.

ما بخوبی از قربانیان بی شماری که نیروهای دمکرات ایران، بویژه حزب توده ایران در مبارزه در راه سرنگونی رژیم شاه دادند اطلاع داریم. شما نیز بخوبی می دانید که ما با چه شور و امیدی به سقوط رژیم شاه و رشد مناسبات دمکراتیک و مترقی نگرستیم، که با انقلاب بهمن ۵۷ آغاز گردیده بود. لیکن دردناک تر از آن برای ما نابودی بسیاری از دستاوردهای انقلاب بهمن ۵۷ و استقرار دیگر بار ارتجاع و پیگرد نیروهای دمکرات بود. این مسئله نخست برای بسیاری قابل درک نبود. بتدریج واضح گردید آنرا که جز نیروهای محرکه ارتجاع بودند روندی را طی کردند که تنها به سود امپریالیسم پایان یافت. مارکس و انگلس به ما می آموزند که در مبارزه طبقاتی که در پس تمامی پدیده های

اجتماعی تجلی می یابد، می توان منافع طبقاتی را مشاهده کرد. فریدریش انگلس در مقدمه کتاب "هیچدم پرورم لویی بناپارت" اظهار می دارد که: "تمامی مبارزات تاریخی صرف نظر از آنکه خصلت سیاسی، مذهبی، فلسفی و یا دیگر عرصه های ایدئولوژیک بخود می گیرند، در عمل کم یا بیش پیانگر مبارزه طبقات اجتماعی هستند." توطئه امپریالیسم آمریکا با همکاری ارتجاعی ترین محافل در اسرائیل و نیز (محافل "میانه رو") حاکمیت کنونی ایران که به تازگی افشا شده است با وضوح تمام همدار می دهد که این توطئه ها در جهت منافع چه کسانی عمل می کند و چگونه منافع توده های مردم به بازی گرفته می شود. این سیاست سندی بر تجاوزگری و دودوزه بازی امپریالیسم آمریکا و نیز دستمزدی در مقابل سیاست شوروی ستیزانه و کمونیسم ستیزانه حاکمیت کنونی ایران است. این عمل وقیحانه و ضد انسانی برای تدوام بخشیدن به جنگ باید هر چه سریع تر پایان پذیرد.

ما از این جایگاه دولت آمریکا را متهم می سازیم که در تدوام جنگ در منطقه خلیج و مرگ صدها هزار ایرانی و عراقی دست داشته است. امپریالیسم آمریکا می کوشد تا دیگر بار منافع امپریالیستی خود را به حساب دیگر خلق ها دنبال کند. پس از آنکه وی با حمایت بی دریغ نظامی به دستجات جنایتکار نتوانست افغانستان را به زیر بوع خود در آورد، حال می کوشد در زد و بند با سران مرتجع رژیم، حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی را دستاویز نقشه های پلید جهانگشایانه خود قرار دهد. ما با اعتراض شدید علیه این توطئه ها، همصدا با شما می گوئیم که این جنگ نامقدس باید هر چه سریع تر پایان پذیرد. این خواست، خواست همه انسانهایی است که خواستار آینده ای صلح آمیز

هستند. ملاقات رفیق گارباچف و ریگان به بشریت نشان داد که راهی انسان از چنگال تهدیدهای هسته ای امکان پذیر است و یک اشتراک مساعی امنیتی در این زمینه ممکن است و نیز واضح گردید که اتحاد شوروی و میخائیل گارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به تعرضی صلح جویانه دست یازیده اند. تمامی این پیشنهادها منتج از یک شیوه نوین تفکر بود که منطبق عصر انتمی ماحکم می کند. پیشنهادهای اتحاد شوروی در این زمینه با استقبال تمامی خلقهای جهان و حتی بسیاری از دولت های کشورهای امپریالیستی روبرو گردید. اینکه دولت ریگان امتناع می ورزد و اینکه با خلع سلاح هسته ای موافقت نمی کند و در عین حال به نظامی کردن فضای کیهانی می پردازد، تنها وضعیت جهان ما را هر روز دردناک تر می سازد. ضروری تر از آن این است که در هر گوشه از زمین و در هر رزمگاه باید از قدرت تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا کاست و از اجرای نقشه های جنایتکارانه اش جلوگیری بعمل آورد.

رفقای گرامی!

حزب توده ایران از حمایت کامل ما برخوردار است. خواست شما مبنی بر عدم هر گونه دخالت امپریالیسم در امور داخلی کشورهای خاورمیانه و نزدیک، خلیج فارس و اقیانوس هند، مورد حمایت کامل ما است و تلاش شما در جهت تحقق بخشیدن به مصوبات کنفرانس ملی اخیرتان از حمایت حزب ما برخوردار است. خواست شما در زمینه برچیدن کلیه پایگاههای نظامی و هسته ای در این منطقه از جهان مورد پشتیبانی ماست. می توانید اطمینان یابید که اندیشه شما در زمینه وحدت تمامی نیروهای دمکرات و صلح دوست در یک جبهه متحد و نیز مبارزه تنگاتنگ و مشترک شما و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با حمایت ما روبرو خواهد شد.

در این زمان که به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران به شما شادباش می گویم، مبارزان مادوش به دوش یکدیگر می رزمند. بخشی از شما از زمان شاه در اینجاست که می کنید و بخشی دیگر از هنگام پیگردهای اخیر ما با شما نیز در مبارزه مشترک در راه استقرار صلح آشنا شدیم. شما در کنار طبقه کارگر کشور ما و همراه با جنبش های بزرگ اجتماعی مشترکا با ما به دفاع از حقوق دمکراتیک در آلمان فدرال می پردازید، زیرا که برخاسته از ریشه مبارزاتی تان، شناخت عمیقی در زمینه مفهوم مناسبات دمکراتیک دارید. ما می دانیم که دشواریهای بسیاری در زمینه تامین پناهندگی برای ایرانیان تحت پیگرد سیاسی ایجاد می کنند. ما با انزجار تمام به کارزاری که نیروهای محافظه کار و شوونیست آلمان فدرال در مورد مسئله پناهندگی ایجاد کرده اند، می نگریم. آنان چنان به دشمنی با انسانها و نفرت از بیگانگان دامن می زنند که خلق آلمان تنها در تاریک ترین فصول تاریخ خود به یاد دارد.

ما کمونیست های آلمان می دانیم، آنرا که با حرب ناسیونالیسم و خارجی ستیزی شدید دست به مبارزه انتخاباتی می زنند متجاوز به حقوق شهروندان کشور خود نیز هستند. در اینجاست که سخنان شاعر شهیر آلمان بوهان ولفگانگ گوته تازگی می یابد که همدارگونه گفت: "خلقی که از

پناهندگان حمایت نمی کند، برودی رو به زوال خواهد رفت". رفقای گرامی! من به شما اطمینان می دهم که حزب کمونیست آلمان با تمام نیرو و پیگیرانه علیه هر گونه محدودیت حق پناهندگی مبارزه می کند و خواهد کرد و نیز به شما اطمینان می دهم که حزب کمونیست آلمان تمام نیروی خود را بکار خواهد گرفت تا از کسانی که این گونه ضددمکراتیک و ضد انسانی عمل می کنند و از سوی حاکمیت آلمان فدرال پشتیبانی می شوند، سلب قدرت گردد. شما در این زمینه شاهد همکاری کمونیست ها با دیگر نیروهای دمکرات و چپ در مبارزه برای صلح هستید. جهت گیری انتخاباتی "لیست صلح" که نه تنها لیست جداگانه ای را ارائه می دهد، بلکه رای دوم خود را به سبزها و حزب سوسیال دمکرات آلمان می دهد تا بدین وسیله اکثریتی علیه نیروهای راست بدست آید، شاهد دیگری بر این ادعاست.

رفقای گرامی!

در پایان مایلم به حزبی ادای احترام کنم و شادباش بگویم که ۴۵ سال تمام زیر درفش ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم رزمیده است و هرگز، حتی در بدترین شرایط پیگرد و اختناق، از راه منافع طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش سرپیچی نکرده و همواره راه پیشرفت اجتماعی را دنبال کرده است. ما کمونیست های آلمان فدرال موظفیم که در مقابل پیگرد و شکنجه و اعدام همصدا با شما فریاد اعتراض خود را بلند کنیم و این وظیفه را هرگز در همبستگی خود فراموش نخواهیم کرد. من ایمان دارم که مبارزه شما، نیروی پیشرفت و ترقی را به پیش خواهد راند. تلاش شما در راه وحدت همه جانبه با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کوشش در راه ایجاد یک جبهه متحد خلق شاهد این مبارزه است.

رفقای عزیز!

دروهای آتشین ما را به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران بپذیرید. همزمان، به تمامی نیروهای پیشرفت و ترقی در ایران که برای از میان بردن این دوره تاریکی می رزمند، درود می فرستیم.

- پاینده باد دوستی گسست ناپذیر میان حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان.

- استوار باد مبارزه حزب توده ایران علیه استبداد و برای صلح و پیشرفت اجتماعی.

رفقا!

حزب شما را حزب شهدا نامیده اند، لیکن من اضافه می کنم که حزب توده ایران در مقابل توده های مردم کشور و در مقابل تمامی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری از دیدگاهی روشن و گام های استوار برخوردار است.

من به خاطر دارم که چند سال پیش کمونیست های برنقال به میهن پرتغالی خود، یعنی میهنی آزاد از سالار بازگشتند، من بخاطر می آورم زمانی را که کمونیست های اسپانیایی و فرزندان ایشان به میهن آزاد شده از فرانکو بازگشتند و به یاد دارم که کمونیست های یونانی از آلمان فدرال به میهن خود برگشتند و من اطمینان دارم که شاهد بازگشت رزمندگان حزب توده ایران، به برکت مبارزه شان، به میهن ایرانی خود خواهیم بود. مادر این زمینه موفقیت شما را آرزو مندیم و در کنار شما خواهیم ماند.



## جشن‌های سالگرد \*\*\*

بنا به گزارش‌های متعددی که به "نامه مردم" رسیده است، چهل و پنجمین سالگرد بنیان‌گذاری حزب توده ایران، در صدها نشست کوچک و بزرگ با شرکت اعضا و هواداران و دوستان حزب در درون و بیرون کشور جشن گرفته شده است. در داخل کشور، با آن که چتر اختناق بر سرها گشوده بود و نیروهای سرکوبگر بر سر هر کوی و برزنی حضور داشتند، اعضای و هواداران و هسته‌های حزبی توانستند در جمع‌های هر چند کوچک گرد هم آیند و با حزب خود و زمینکنشان تجدید پیمان کنند.

پیکوش اعضا و هواداران و سازمانهای حزبی در آلمان فدرال، بلژیک، سوئد، دانمارک، اتریش، بریتانیا، فرانسه، کانادا، ایتالیا، آمریکا، فیلیپین و چندین کشور دیگر، جشنهای سالگرد حزب، با شرکت هزاران نفر اعضا و هوادار، رفقای اکثریت و دیگر نیروهای انقلابی میهنان و نیز بسیاری از اعضا و نمایندگان احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی کشورهای باد شده به گستردگی برگزار شد. در جریان برگزاری این جشن‌ها صدها پیام شادباش و همبستگی از جانب سازمانها و نمایندگان احزاب برادر، اتحادیه‌های کارگری و نیروهای مترقی دیگر دریافت شد و چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته انقلابی جنبش کمونیستی با حضور در مراسم و سخنرانی‌های پرشور، دیگر بار همبستگی و پیوند انترناسیونالیستی خود را با حزب ما اعلام داشتند.

در این گردهمایی‌ها برنامه‌های مختلف هنری اجرا و نمایشگاههای کتاب و تابلوهای نقاشی برپا گردید و دیدگاههای حزب در زمینه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با توجه به حجم بزرگ مطالب و تنگی جا، هدیه‌ای است که انعکاس مشروح خبرهای مربوط به جشن‌ها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، با تشکر از همه رفقا و نیز با شادباشهای مجدد به همه شرکت‌کنندگان در جشن‌ها به انتشار همین خبر کوتاه پسند می‌کنیم.

\*  
\* \*  
\* \*

شاه، همراه با ابوالفتح صالح (برادر جهان‌شاه صالح) در قزوین با اسرائیلی‌ها در طرح کشت و صنعت زیربان کار می‌کرد. در سال ۵۶ در سرکوب کارگران یکی از کارخانه‌های تبریز مبادرت به استخدام عده‌ای چماقدار و زنجیر بدست کرد و کارگران را به خاک و خون کشید. در دوره پیروزی انقلاب مخفی شده بود، سپس همراه نزیه به آبادان رفت. پس از فرار نزیه دوباره مخفی شد. با شروع جنگ ناگاه با عنوان "رئیس ستاد اسکان جنگ زدگان مناطق نفت خیز جنوب" در دفتر شرکت نفت واقع در خیابان فلسطین شمالی تهران ظاهر شد. پس از آن به مرکز (آی. بی. ام) تهران منتقل شد و اکنون معاون وزیر است. قبل از پیروزی انقلاب با آمریکایی‌ها مرادوت بسیاری داشت و اکنون مدتی است که ریش گذاشته و با قیافه جدید در خدمت اربابان سابق است.

— روغن مایع ذرت، ۲۵۰ کیلو ۴۵۰ ریال (نایاب است).

— روغن نباتی ۵ کیلویی ۷۰۰۰ ریال (نایاب است).

— شکر مورد مصرف کارخانجات از کیلویی ۱۱۷ ریال به ۱۲۰ ریال افزایش یافته است.

— موادپاک کننده از قبیل صابون و پودر لباسشویی و شامپو نایاب است.

## دریغ از نفت

با آغاز فصل سرما مسئله نفت و سوخت زمستانی به یکی از مسائل مهم و حل‌نشده مردم تبدیل شده است. رژیم حتی قادر نیست که سهمیه نفت تعیین شده را تامین کند. قیمت نفت در بازار آزاد به نحو سرسام‌آوری بالا رفته است. در شهرهای مختلف، در مقابل شعبه‌های نفت صفوف طولانی تشکیل شده است. در بطن این صفوف حرکت‌های کوچک اعتراضی شکل می‌گیرد و گهگاه اشکال گسترده‌ای می‌یابد. مثلاً در اصفهان، مردمی که چند روز به انتظار دریافت نفت مانده بودند، به شعبه نفت مراجعه کردند و از مسئول آن خواستند تا علت آن که سهمیه نفتشان را نمی‌دهد توضیح دهد. وی گفت: "من هم مانند شماخته شده‌ام و حاضرم همراه شما به ستاد سوخت رسانی بیایم و اعتراض کنم". مردم که به شور آمده بودند، به نحوی طنزآمیز شعار دادند: "آقای نفتی، حمایتت می‌کنیم، حمایتت می‌کنیم".

سپاه مداخله کرد، نفت فروش دستگیر شد و فردای آن روز بنا به حکم حاکم شرع در مقابل مغازه‌اش و در انظار شلاق خورد. این مسئله موجب بالا رفتن موج اعتراض شد.

## افزایش شعار نویسی در دانشگاه‌ها

علیرغم برنامه درسی سنگینی که بویژه در زمینه مسایل مذهبی، برای دانشجویان تدارک دیده شده و حضور دائمی عوامل سرکوبگر و فشار در محیط دانشگاه، جنبش اعتراضی دانشجویان روز به روز اشکال وسیع‌تری می‌یابد. در ارتباط با روابط اخیر ایران و آمریکا شعارهای اعتراضی زیادی به در و دیوارهای دانشکده‌های مختلف نوشته می‌شود. عوامل رژیم دأشا در حال پاک کردن شعارها و تعقیب نویسندگان شعارها هستند.

## زندگینامه کوتاهی از آقای معاون وزیر!

در روزنامه کیهان ۱۷ آبان خبر انتصاب شخصی بنام پرویز شهریاری به سمت معاون مالی و اداری وزارت برنامه و بودجه چاپ شده است. اینک بیوگرافی مختصری از او:

این شخص فارغ التحصیل رشته بازرگانی از دانشکده نفت آبادان است. وی از برگزیدگان ساواک جهت تحصیل در آن دانشکده و مامور بود که علیه سایر دانشجویان انقلابی گزارش بدهد. پس از فارغ التحصیل شدن مدتی در پالایشگاه آبادان مشغول کار بود و بعد جهت گذراندن دوره مدیریت (فوق لیسانس و دکترای مدیریت) به تهران رفت. به عنوان شخص مورد اعتماد رژیم



## ارزش کار در رابطه بنبج و مامی

دمفنان کیلانی همچنان در زمینه فروش برنج با دولت درگیری دارند. آنان معتقدند: هنگامی برنج به دولت می‌فروشیم که ارزش کارمان از بین نرود. وقتی از یکی از آنان پرسیده شد: "ارزش کارت چقدر است؟"، گفت: "من دو کیلو برنج می‌دام و یک عدد مامی از بازار می‌گیرم، تازه باز هم هشتم گرو نه بود، حالا مامی دانه‌ای پانصد تومان است".

## در بیمارستان‌ها حتی صابون پیدانمی‌شود!

کمبود و حتی فقدان ارز و بودجه لازم برای تامین وسائل و امکانات ضروری بیمارستانهای کشور را با مشکلات بزرگی روبرو ساخته است. بطور مثال، در بیمارستان چرجانی برای تعمیر دستگامی که سالانه در درمان ۵۰۰ هزار بیمار مورد استفاده قرار می‌گرفت برای مدتی از کار افتاد. بیمارستان مفید - مخصوص کودکان - نیز با کمبود شدید مواد ضد عفونی و حتی صابون روبرو است.

## هشتاد میلیون تومان برای حوزه علمی

در شهر کوچک دماوند برای تربیت ۲۵ طلبه یک حوزه علمی تأسیس شده است. هزینه ساختمان این حوزه سر به هشتاد میلیون تومان زده است.

## تعمیر اماکن مذهبی برای ثواب یادزدی؟

تعمیر اماکن مذهبی، از جمله امامزاده‌ها و مساجد، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور مخارج سنگینی را روی دست دولت گذاشته است. از محل بودجه‌هایی که برای این کار در نظر گرفته می‌شود، "درآمد" شراری نصیب گردانندگان کاری می‌شود. حتی در بسیاری از موارد پاسا استفاده از باورهای مذهبی، از کارگران خواسته می‌شود که برای "ثواب" از گرفتن مزد روزانه خودداری کنند.

## مقایسه نرخ برخی اقلام و خدمات (به ریال)

سال ۶۵	سال ۶۴	سال ۵۸	
۱۲۰	۱۰	۵	خودکار بیک
۱۴۰	۱۰	۴	دفترچه ۴۰ برگ
۹۰۰	۲۶۰	۸۰	برنج پلارم - بیک کیلو
۲۵۰۰	۱۲۰۰	۲۲۰	گوشت بیک کیلو
۱۴۰۰	۸۰۰	۱۵۰	پنیر بیک کیلو
۱۴۰	۷۵	۲۵	شیر بیک لیتر
۱۲۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	۱۹۵۰۰	قیمت زایمان در بیمارستان خصوصی شهریه آمادگی برای کودکان زیر هفت سال
۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	—	

## “سرود آزادی”

### رژیم آپارتاید را به لرزه درآورده است

بهنگامی که رژیم "بوئا" برای درهم شکستن پیکار مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید از هیچگونه کوشش سرکوبگرانه‌ای خودداری نمی‌ورزد، "کنگره" ملی آفریقا ANC، این کهنسال‌ترین سازمان آزادی‌بخش "قاره" سیاه، هفتاد و پنجمین سالگرد پایه‌گذاری خود را جشن می‌گیرد.

"کنگره" ملی آفریقا، در هشتم ژانویه ۱۹۱۲ تأسیس شد و نخست سخنگوی بیش از نیمی از آفریقای جنوبی و روشنفکران نبود. دبیری نپائید که در پرتو انقلاب اکتر و رشد نهضت کارگری آفریقای جنوبی به جنبشی ملی و خلقی بدل شد - جنبشی که "سرود آزادی" آن پایه‌های رژیم نژادپرستان را بلرز در آورده است.

"منشور آزادی" که در سال ۱۹۵۵ به تصویب "کنگره" ملی آفریقا رسید، امروزه بیش از پیش درفش رزمجویانه مردم این کشور است.

در این منشور از جمله می‌خوانیم: "ما، ساکنان آفریقای جنوبی، به مردم کشور خود و سراسر جهان اعلام می‌داریم: آفریقای جنوبی از آن همه کسانی است که در آن زندگی می‌کنند، چه سیاه و چه سفید. هیچ دولتی حق ندارد، خود را قانونی بخواند، مگر آنکه به اراده همه خلق زمام امور را بدست گرفته باشد."

رژیم نژادپرست در سال ۱۹۶۰ "کنگره" ملی آفریقا را "غیر قانونی" اعلام کرد. "کنگره" این اقدام تضییق‌آمیز را با تشکیل سازمان نظامی "اوم خونتو و سیزوه" ("نیزه خلق") و آغاز مبارزه مسلحانه در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۱ پاسخ گفت.

نلسون ماندلا، نخستین فرمانده این سازمان، در دادگاهی که او را به حبس ابد محکوم کرد، خاطر نشان ساخت:

"پس از آنکه سیل خون آفریقایی‌های بیگناه در سرزمین ما جاری شد، وظیفه خود شمردیم، تا با تدارک دوران‌دیشانه مبارزه قهرآمیز، به دفاع از خود برخیزیم."

"کنگره" ملی آفریقا در راه پیشبرد هدفهای میهن‌پرستانه و عادلانه خویش در شرایطی پس‌دشوار از هیچگونه جان‌بازی‌ای نکرده و به رغم ترور و اختناق روزافزون به پیروزیهای سترگ سیاسی و نظامی دست یافت. اکنون کمتر عنصر و نیروی واقع‌بینی را، چه در آفریقای جنوبی و چه در جهان، می‌توان یافت که "کنگره" ملی آفریقا را به عنوان نماینده راستین مردم آفریقای جنوبی نپذیرفته باشد.

حتی کودکانترین محافل غرب نیز دریافته‌اند که در برابر رژیم آپارتاید دیگر راه برون رفتی از بحران فراگیر و ژرف کنونی نیست و با "کنگره" ملی آفریقا باید از در مذاکره وارد شد.

ما توده‌ایها، هم‌آوا با بشريت مترقی جهان،

## همبستگی سراسری زحمتکشان فرانسه با کارگران اعتصابی

اعتصاب کارکنان راه آهن فرانسه سومین هفته خود را پشت سر گذاشت. اعتصاب کنندگان که خواستار افزایش حقوق، بهبود شرایط کار و امنیت شغلی هستند، از حمایت و همبستگی کارگران و زحمتکشان دیگر رشته‌های تولیدی و اقتصادی برخوردارند. هم اکنون در بسیاری از مراکز اقتصادی این کشور، اعتراضهای دسته جمعی، قطع کوتاه مدت کار و تظاهرات صورت می‌گیرد. کنفدراسیون عمومی کارگران و حزب کمونیست فرانسه نقش قاطعی در حمایت از حقوق و مبارزات حق طلبانه زحمتکشان فرانسه دارند.

بسیاری از کارگران بنادر عمده تجارتي، معادن ذغال سنگ و صنایع فولاد، تعداد کثیری از کارکنان موسسات دولتی "برق فرانسه" و "گاز فرانسه"، پست و تلگراف و تلفن، خدمات عمومی اجتماعی، بیمارستانهای دولتی و اورژانس، رانندگان اتوبوس و کارکنان مترو و غیره در حمایت از مبارزات حق طلبانه و اعتصاب کارکنان راه آهن، صدای اعتراض خود را بلند کرده‌اند.

دولت و احزاب راستگرا با اتخاذ سیاست ضدکارگری و افزایش هزینه‌های نظامی -

تسلیحاتی عرصه را بر زحمتکشان فرانسه تنگ ساخته‌اند. در شرایطی که میزان حقوقها از اواسط سال ۱۹۸۵ افزایش نیافته، قیمت‌های کالاهای مورد نیاز عموم و سایر هزینه‌ها بطور سرسام آوری بالا رفته است: دولت شیراک به بهانه تعدیل تورم بازار داخلی و خارجی و بالا بردن بازدهی موسسات اقتصادی، کماکان سیاست اخراجهای دسته جمعی و حتی چند هزار نفری کارگران را ادامه می‌دهد.

علیرغم اقدامات تلافی جویانه و اعتصاب شکنانه عوامل دولت و دستگیری رهبران اعتصابها و اعتراضها و ضرب و شتم و تهدیدهای مکرر اعتصاب کنندگان، در پاسخ به فراخوان عمومی کنفدراسیون عمومی کارگران و در ابراز همبستگی با اعتصاب کنندگان تظاهرات وسیع ۵۰ هزار نفری در پاریس و شهرهای دیگر فرانسه صورت گرفت.

این تظاهرات و دیگر حرکت‌های اعتراضی بار دیگر نشان داد که اکثریت زحمتکشان فرانسه نه تنها اعتماد خود را نسبت به دولت راستگرا از دست داده‌اند، بلکه دیگر حاضر نیستند به تحمیلات سرمایه‌داران و تجاوز به منافع خود تن در دهند.

منتشـر شد:

## واژه‌نامه

### اجتماعی و سیاسی

از انتشارات حزب توده ایران

### شادباش به "کنگره" \*

حزب توده ایران ضمن یادآوری همبستگی خود با مبارزه خستگی ناپذیر شما در راه پیروزی نهایی مردم آفریقای جنوبی، آزادی بیدرتگ همه میهن پرستان کشورتان و بویژه نلسون ماندلا را خواستار است.

پیش بسوی حاکمیت خلق در آفریقای جنوبی! با دروهای برادرانه،

کمیته مرکزی حزب توده ایران

این سالگرد خجسته را به "کنگره" ملی آفریقا شادباش می‌گوئیم، آزادی بیدرتگ نلسون ماندلا را خواستاریم و به این گفته اولیور تامبو، رئیس "کنگره" ملی آفریقا "اعتقاد راسخ داریم که پیروزی از آن مردم آفریقای جنوبی است."

## کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما:  
Sweden  
Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
N: 040012650  
Dr. John Takman

### کمکهای مالی رسیده:

بیژن ۱۰۰ فرانک  
امید ۱۰۰۰ فرانک  
سام - کالیفرنیا ۵ دلار  
بناسبت چهل و پنجمین سالگرد حزب از کلن: ۴۵ دلار و ۴۵ مارک  
ژ-کلن یک سکه "ربع پهلوی":  
"رفقا، این سکه را به عنوان کمک که از نظر ارزش کم بها ولی از نظر معنوی که تنها یادگار پدرم است و برایم بس گرانبهاست از طرف پدرم به حزب تقدیم می‌دارم."  
کیوان از پاریس ۱۱۵ مارک

NAMEH  
MARDOM  
No. 137

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

13 January 1987

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است